



عدالت در نظام ولایت فقیه بی معنی است

نگاهی به محکمه قتل زنده‌یادان استاد داریوش مهرجویی و وحیده محمدی‌فر

نوشته علیرضا محمدی‌فر

وبگاه ریزپردازنده (rizpardazandeh.com)



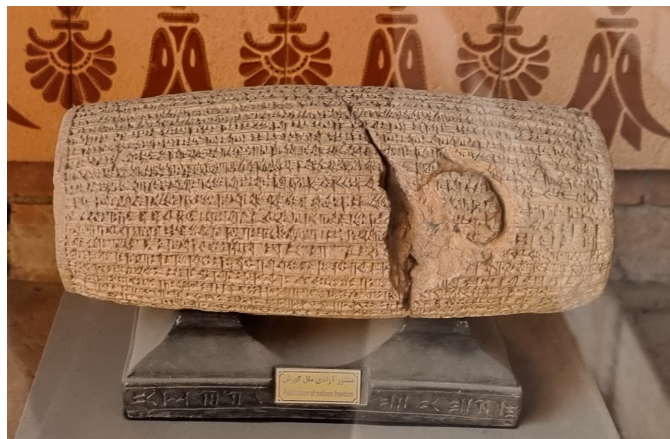
▪ پی‌دی‌اف این مقالات رایگان است.
 ▪ استفاده از مطالب این اثر با ذکر منبع آزاد است.
 ▪ نشانی وب: <http://www.rizpardazandeh.com>
 ▪ ایمیل: rizpardazandeh@gmail.com
 ▪ کانال تلگرام: @rizpardazandeh

فهرست

- اینترنت آدم‌ها (۷۲): عدالت در نظام ولایت
- فقیه بی‌معنی است / ۳
- عدالت کشف نشد، اختراع شد / ۴
- عدالت مفهومی زمینی و ساخته انسان و موقت است و نه مفهومی آسمانی و دائمی / ۶
- محکمه‌های ناعادلانه پیامد برپایی نظام ولایت فقیه / ۸
- محاکمه مقتولان / ۹
- گانگسترهای حرفه‌ای یا آماتور؟ / ۱۱
- رد پای دیجیتال / ۱۱
- مقایسه نقش رسانه و مدت محاکمه در محکمه زنده‌یادان استاد داریوش مهرجویی و وحیده محمدی‌فر و دادگاه آدولف آیشمن / ۱۳
- از سقراط تا استاد مهرجویی و وحیده محمدی‌فر / ۱۴
- مگر پرسش‌گری حق مردم نیست؟ / ۱۴
- بازی «دوراهی زندانی» / ۱۵

عدالت در نظام ولایت فقیه بی معنی است

□ علیرضا محمدی فر



استوانه کوروش بزرگ

با آن که قانون و عدالت از مفاهیمی هستند که در حدود ۱۰ تا ۲ هزار سال پیش ابداع شده‌اند یکی از اسنادی که حقوق‌دانان یا مورخان برای بررسی تاریخ علم حقوق به آن استناد می‌کنند استوانه کوروش بزرگ مربوط به حدود ۲۵۰۰ سال پیش است که مطالبی درباره عدالت در خود دارد.

استوانه‌ای که تصویر آن در بالا آمده است و در موزه ایران باستان به نمایش گذاشته شده است یک مولاژ یا اثر شبیه‌سازی شده از روی اثر اصلی است که در موزه بریتانیا نگهداری می‌شود. (عکس از موزه حمزه تبریزی؛ موزه ایران باستان).

هنگامی که فلاسفه یا جامعه‌شناسان یا حقوق‌دانان به تاریخ عدالت یا تاریخ قانون نگاه می‌کنند و درباره نظریات تاریخی عدالت یا قانون بحث می‌کنند معمولاً از تاریخ مکتوب یا تاریخ ثبت‌شده فراتر نمی‌روند و حداکثر از قانون حمورابی به عنوان نخستین قانون مکتوب بر روی یک ستون سنگی دو و نیم متری نام می‌برند، که در سال ۱۹۰۱ میلادی در شهر شوش خوزستان کشف شد و هم‌اکنون در موزه لوور نگهداری می‌شود (حمورابی از پادشاهان بابل در ۱۸۱۰-۱۷۵۰ پیش از میلاد بود)؛ یا از استوانه کوروش بزرگ مربوط به ۵۳۹ سال پیش از میلاد یاد می‌کنند؛ و یا برای مباحث نظری به آثار افلاطون و ارسطو درباره عدالت ارجاع می‌دهند.

با وجود این، آثار باستان‌شناسی کشف‌شده مربوط به دوران پیشاتاریخ (پیشانوشتر) در نقاط مختلف دنیا به ویژه در ایران زمین و میان‌رودان توانسته است پاره‌ای از معماهای سبک زندگی انسان در عصر نوسنگی^۱ و پیش از آن را روشن کند، هرچند، پژوهش‌گران محتاط دانشگاهی در حوزه‌های مختلف، مثلاً علم حقوق یا فلسفه، برای این که با قاطعیت بیشتر نظرات خود را مثلاً درباره موضوع عدالت ارائه بدهند صرفاً به تاریخ مکتوب بسنده می‌کنند.

انسان پس از حدود ۳.۳ میلیون سال زندگی در گروه‌های کوچک، چگونه توانست در گروه‌های بزرگ شهری هم‌زیستی کند؟

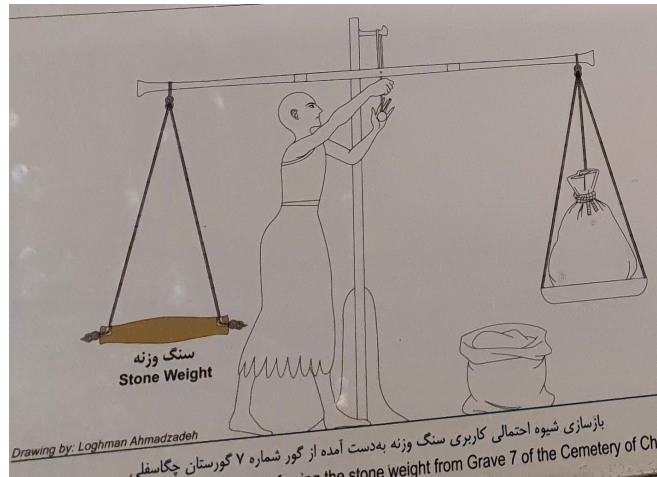
انسان و انسان‌تبارها حدود ۳.۳ میلیون سال با سبک زندگی گردآوری-شکارگری (گردآوری خوراک گیاهی و شکار) در گروه‌های برابری‌گرای حدوداً ۳۰ نفره زندگی می‌کردند و طبیعت غذای مورد نیاز آنان را به اندازه نیازشان فراهم می‌کرد و نیازی به مفهوم عدالت نداشتند. اگر در منطقه‌ای منابع غذایی کم می‌شد، به منطقه‌ای دیگر که منابع غذایی کافی داشت کوچ می‌کردند. از همین روی، از آفریقا به اروپا و نقاط مختلف آسیا مهاجرت کردند.

انقلاب کشاورزی^۲ به یک‌جانشینی و به تأسیس نخستین روستاها انجامید و خیلی زود سبب شد جمعیت هر کدام از روستاها به دلیل افزایش تولیدات غذایی به چند برابر جمعیت معمول و چند برابر میانگین یک گروه گردآور-شکارگر برسد. انسان‌های دوره نوسنگی از یک سو متوجه شدند که افزایش جمعیت می‌تواند بهره‌وری را بالا ببرد و محصولات بیشتری تولید شود، و با مبادله محصولات مازاد بر نیاز بازم بهره‌وری بیشتر شود؛ و از سوی دیگر، با مسئله تقلب و رقابت روبه‌رو شدند که در دوران پیش از انقلاب کشاورزی اجازه نمی‌داد گروه‌های بیش از ۱۵۰ نفر پدید بیاید. تقلب و رقابت می‌توانست به فروپاشی جوامع با جمعیت بالای جدید بینجامد.

راه حل انسان برای این مسئله اختراع مفاهیم عدالت و قانون بود. برای این منظور نخست ابزارهای محاسبه‌ای اختراع شد که داده‌های

² Agricultural Revolution

¹ Neolithic or New Stone Age



یکی از کهن ترین سنگ وزنه های یافت شده در جهان سنگ وزنه ای است که در گورستان چگاسفلی در بهبهان یافت شده است و قدمت آن به حدود ۶۸۰۰ تا ۶۰۰۰ سال پیش می رسد.

در گور شماره ۷ چگاسفلی، بانویی ۲۵ تا ۳۰ ساله آرمیده بود که گروه کاوش او را «خاتون» نامیده اند. مرگ این بانوی جوان حدود ۶۸۰۰ تا ۶۰۰۰ سال پیش در عصر مس رخ داده است. شمشیر مسی، لگن بزرگ مسی، کوزه کوچک مسی، قلاب مسی، سوزن های مسی، جام سفالی پایه دار، دو کاسه سنگی، و یک سنگ وزنه در گور خاتون یافت شده است که از تنوع کالاهای صنعتی در عصر مس حکایت دارد. در تصویر پایین بازسازی شیوه احتمالی کاربری سنگ وزنه به دست آمده از گور خاتون در گورستان چگاسفلی نشان داده شده است (طراح تصویر: لقمان احمدزاده، موزه شوش). اختراع توکن، و بعدها اختراع مهر و موم گلی، و اختراع ابزارهای اندازه گیری مانند ترازو در ۶۸۰۰ تا ۶۰۰۰ سال توانست فرهنگ داده ای را پس از صدها هزار سال فرهنگ شفاهی محض پدید بیاورد که عدالتی را توانست پدید بیاورد که همزیستی در شهرها ممکن شود و شهرها یکی پس از دیگری در ایران و میان رودان شکل بگیرند.

(عکس از موزه حمزه تبریزی؛ موزه شوش)

عدالت کشف نشد، اختراع شد

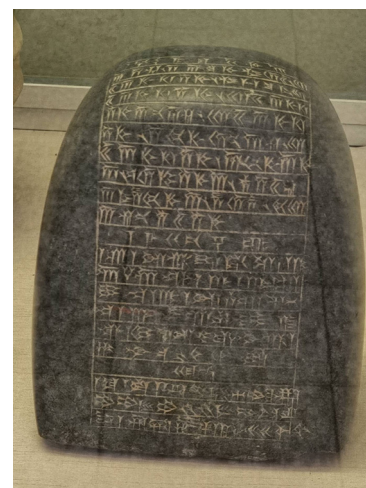
ابزارهای گلی محاسبه توکن مربوط به حدود ۷ تا ۱۰ هزار سال پیش و به ویژه سنگ وزنه های کشف شده در ایران زمین مربوط به

عددی را برای تراکنش ها ثبت می کرد و برای مقادیر یا اعداد و یا کالاهای مختلف با گِل به شکل های هندسی مختلف ساخته می شد. این اشیاء گلی محاسبه امروزه به توکن^۳ شهرت یافته است. بعدها مهرهای استامپی و استوانه ای که اثر آنها بر روی گِل به عنوان امضا یا داده های هویتی شناخته می شد ابزارهای ثبت داده ها را تکامل یافته تر کرد.^۴ ترازو و پیمانانه از اختراعات دیگری بود که به عنوان سنجش گره های عدالت تا همین امروز مورد استفاده قرار می گیرند. این ابزارها امکان پدید آمدن نخستین نهادهای دولت، داوری، و دادگستری و تعاملات عدالت گویانه را فراهم کردند. به بیان دیگر، اگر جامعه را همزیستی مسالمت آمیز جمعیت های بیش از ۱۵۰ نفر برای دست یافتن به حدی از بهره وری که این همزیستی را قابل قبول کند تعریف کنیم، جامعه نیز اختراع انسان بوده است.

ترازو حدود ۷۰۰۰ سال پیش در ایران زمین اختراع شد. تراز شدن کفه های ترازوی دوکفه ای بهترین تعریف برای مفهوم عدالت بود. دستگاه های قضایی بسیاری از کشورها هنوز از تصویر ترازوی دوکفه ای به عنوان نماد عدالت بهره می گیرند. قوانین و رویه های داوری و دادگستری تا پیش از اختراع نوشتار با فرهنگ شفاهی از یک نسل به نسل دیگر انتقال می یافت. از آن گذشته، نخستین معادلات ریاضی با سنگ وزنه های مختلف ترازو برای تبادل محصولات مختلف در اذهان شکل گرفت، مثلاً مقدار ۸ سنگ وزنه جو به ازای یک سنگ وزنه بادام.

سنگ وزنه به وزن ۱۲۰ کارشا (۹۹۵۰ گرم) با کتیبه سه زبانه داریوش، از جنس سنگ دیوریت براق خاکستری مایل به سبز، دوره هخامنشی، ۲۳۵۵ تا ۲۵۸۳ سال پیش.

عکس از موزه حمزه تبریزی؛ موزه ایران باستان.



^۳ token

^۴ برای اطلاعات بیشتر، پی دی اف «انقلاب توکن» را از صفحه وب زیر دریافت کنید:
<http://rizpardazandeh.com/articles/jozveh3/jozveh14020201.pdf>

آزمایشگاهی کالاها ارزان‌قیمت‌تر و ارزان‌قیمت‌تر خواهد شد به گونه‌ای که سرانجام سود به صفر برسد و کالاها به اندازه نیاز هرکس به رایگان در اختیارش قرار بگیرد. به این ترتیب، مفهوم عدالت به دلیل حذف ستم دوباره ناپدید خواهد شد.^{۱۳}

همین امروز در پاره‌ای از کشورها مانند هلند که زندان‌ها را یکی‌یکی به هتل تبدیل می‌کند یا سوییس که روزهای فعالیت دستگاه قضایی را محدود می‌کند شاهد حرکت در مسیر چنین روندی هستیم.



مملکت از عدل شود پایدار

کار تو از عدل تو گیرد قرار

نظامی گنجوی

همان‌گونه که نظامی گنجوی در سده ۱۲ میلادی در کتاب مخزن الاسرار خود سروده است هدف عدالت حفظ استحکام تاروپود جامعه و پایدارسازی آن است.

تصویر بالا یک سنگ وزنه یافت‌شده در جیرفت، مربوط به پنج‌هزار سال پیش را نشان می‌دهد که چهار شکل دایره بر روی آن ممکن است به چهار توکن یا چهار واحد شمارش مخصوص تمدن جیرفت اشاره داشته باشد.

عکس از مژده حمزه تبریزی؛ موزه دلفینه (سردار آسمانی).

حدود ۵ تا ۷ هزار سال پیش – یعنی از زمانی که انسان توانست در دهکده‌های بزرگ و پرجمعیت و بعدها در شهرهای نخستین زندگی کند و محصولات مازاد بر نیاز خود را محاسبه و مبادله کند – نشان می‌دهد که مفهوم عدالت یا دادگری، قانون، و علم حقوق برای انجام پایدار جامعه و برای گسسته‌نشدن تاروپود جامعه پیشتر در ایران‌زمین پدید آمده بوده است، یا در اصل اختراع شده بوده است. عدالت کشف نشد، اختراع شد، چون تا پیش از آن چنین مفهومی در طبیعت وجود نداشت و نیازی به آن نبود. پیش از آن همه جا قانون جنگل یا قانون طبیعت حاکم بود، چه برای انسان‌ها یا انسان‌تبارها، و چه برای سایر موجودات زنده.

گذار به دوران آبرفراوانی

از سوی دیگر، از حدود ۳۰ تا ۱۰۰ سال آینده، مطابق پاره‌ای از پیش‌بینی‌ها انسان وارد عصر آبرفراوانی^۵ خواهد شد و با حذف ستم دوباره مفهوم عدالت بی‌معنی خواهد شد. به عنوان مثال، استفان آگیلار-میلن^۶ و همکارانش در مقاله‌ای که در سال ۲۰۰۹ برای کنفرانس جامعه جهان آینده^۷ ارائه کردند اقتصاد پسا-کمبود^۸ را در سال ۲۰۵۰ تا ۲۰۷۵ قابل پیاده‌شدن دانستند.^۹

مطابق پیش‌بینی‌های استفان آگیلار-میلن و پاره‌ای دیگر از صاحب‌نظران در آینده‌ای نه‌چندان دور در گذار از دوران کمبود به دوران آبرفراوانی یا دوران پسا-کمبود، به مدد فناوری‌هایی چون روبوتیک، هوش مصنوعی، علم ژنتیک و CRISPR/Cas9، انرژی خورشیدی، استخراج معادن اجرام آسمانی، چاپ سه‌بعدی، روبوت‌های خودمختار^{۱۰}، گوشی‌های هوشمند پیشرفته‌تر، اینترنت چیزها^{۱۱}، اینترنت آدم‌ها^{۱۲}، کلان‌داده‌ها^{۱۳}، اینترنت ماهواره‌ای، و گوشت کشت‌شده یا

^۵ superabundance

^۶ World Future Society

^۷ post-scarcity

^۸ Aguilar-Millan, Stephen; Feeney, Ann; Oberg, Amy; Rudd, Elizabeth. "The Post-Scarcity World of 2050-2075"

^۹ autonomous robots

^{۱۰} Internet of Things

^{۱۱} Internet of Humans

^{۱۲} big data

^{۱۳} برای اطلاعات بیشتر ماهنامه ریزپردازنده شماره ۲۶۹ را بخوانید:

<http://rizpardazandeh.com/articles/riz269/p3t11.pdf>

عدالت مفهومی زمینی و ساخته انسان و موقت است و نه مفهومی آسمانی و مقدس و دائمی

به بیان دیگر، انسان‌ها یا انسان‌تبارها از میلیون‌ها سال پیش تا پیش از حدوداً ۱۰ هزار سال اخیر – به دلیل سبک زندگی برای گرا در گروه‌های گردآور-شکارگر حدوداً ۳۰ هزار سال پیش و استفاده از موافب جنگل‌ها و دشت‌ها – به مفهوم عدالت نیاز نداشته‌اند. مطابق پاره‌ای از پیش‌بینی‌ها، میلیون‌ها سال پس از این ۱۰ هزار سال نیز – به دلیل انواع فناوری‌های خودکار و هوشمند و استفاده از منابع اجرام آسمانی و سیارات گوناگون و از فناوری‌هایی مانند گوشت کشت‌شده که می‌توانند کالاها و خدمات را به رایگان در اختیار انسان قرار دهند – به مفهوم عدالت نیاز نخواهند داشت. از همین روی، عدالت مفهومی زمینی و ساخته انسان و موقت است و نه مفهومی آسمانی و دائمی. علم حقوق علمی ۱۰ هزارساله است که به گونه‌ای تکامل یافته است که در این دوران گذار در مجموع مردم با ستم کمتری روبه‌رو شوند و جوامع انسانی دچار فروپاشی نشوند. علم حقوق در دوران مدرن قوانینی مانند قوانین حقوق بشر یا نهادهای قضایی بسیار توانمندتر و کارآمدتر از گذشته را معرفی کرده است تا تار و پود جوامعی را که بر اساس این علم عمل می‌کنند محکم به هم پیوند بزنند.

مالکیت خصوصی و گرایش به زندگی در اجتماعات شهری دو ویژگی مهم تغییر در سبک زندگی انسان‌ها از ۷ هزار سال پیش به این سو بوده است که پیامد آن نابرابری، تبعیض، ستم، و انواع شرور مانند جنگ یا حکومت‌های متمرکز خودکامه یا ستم‌گر بوده است. پیش از این ۷ هزارسال اخیر ستم و عدالت برای انسان و انسان‌تبارها معنایی نداشته است. همچنان که گفته شد در ایران زمین برای کاستن از میزان ستم‌ها و پایدارسازی انسجام جامعه مفهوم عدالت و ابزارهای مورد نیاز آن اختراع می‌شود و تا امروز تکامل می‌یابد.

از همین روی، همان‌گونه که کشاورزی و صنعت و معماری مسائلی زمینی هستند، عدالت و قانون و نوع حکومت نیز مسائلی زمینی برای انسجام جامعه هستند، و ربطی به خداوند ندارند، و بسته به شرایط زمانی و مکانی می‌توانند تغییر کنند. آسمان دستگاه داوری خودش را برای روز رستاخیز دارد. همان‌گونه که دستگاه‌هایی مانند تلویزیون

اختراعاتی زمینی هستند و به مرور زمان تکامل پیدا کرده‌اند، مفاهیمی مانند عدالت نیز توسط انسان بسته به شرایط تکامل پیدا می‌کنند.

این اندیشه ایرانی‌شهری بعدها در ادیانی مانند ادیان میترائیسم، زرتشتی، و ادیان ابراهیمی نیز راه می‌یابد و ایزد عدالت یا خداوند عادل متولد می‌شود. به بیان دیگر در اینجا کاملاً معلوم است که مرغ اول آمده است یا تخم مرغ: ادیان یا خدایان این ادیان با تأخیر (یا با lag) به این مفهوم انسان‌ساخته – که یک خواسته انسان‌ها برای تقویت استحکام تاروپود جامعه بوده است – می‌پیوندند.

از سوی دیگر، اگر حدود ۳۰ تا ۱۰۰ سال دیگر بتوانیم وارد دوران آبرفراوانی شویم – که روند فناوری‌ها به همین سوست – دوباره عدالت و ستم بی‌معنی خواهد شد و با ناپدیدشدن خداوند عادل و درهم‌کوبیده ستم‌گران و تولد خداوند فراهم‌کننده آبرفراوانی روبه‌رو خواهیم شد.



بدون انصاف و عدالت و قانون شهرنشینی ممکن نبود

سرزمین ایران به شهادت آثار یافته‌شده در آن، زادگاه مبادلات عادلانه و منصفانه بوده است. انسان عصر شکارورزی و گیاه-خوراک‌یابی بدون انصاف و عدالت نمی‌توانست جوامع روستایی و شهری نخستین را بر پا کند. هزاران سال از اختراع ترازو در این سرزمین که مبادلات عادلانه و منصفانه را فراهم کرد گذشته است. مخترعان با این اختراع نشان دادند که می‌توان در یک شهر با همکاری و با انصاف و با عدالت زندگی کرد. بدون انصاف و عدالت شهرنشینی ممکن نبود.

عکس از موزه حمزه تبریزی؛ سنگ وزنه از جنس کلریت (سنگ صابون)؛ محل کشف: جیرفت، کرمان؛ دوره مفرغ قدیم III؛ حدود ۴۴۰۰ تا ۳۶۰۰ سال پیش از میلاد؛ موزه ایران باستان.

به اجمال، عدالت در جایی که ستم و تبعیض و نابرابری وجود ندارد بی‌معنی است. از همین روی، صفت عدالت برای خداوند صفتی گذرا و برای دوره‌ای است که چنین مسائلی وجود دارد. عدالت مفهومی مقدس و آسمانی نیست، یک خواسته انسان‌ها برای انسجام جامعه در دوران کمبود است.



سنگ وزنه‌هایی به شکل شیر و مرغابی، خزانه‌داری تخت جمشید، دوره هخامنشی، ۲۳۵۰ تا ۲۵۸۳ سال پیش.
عکس از موزه حمزه تبریزی؛ موزه ایران باستان.



سنگ وزنه‌هایی از جنس آهن، شوش، خوزستان، دوره هخامنشی، ۲۳۵۰ تا ۲۵۸۳ سال پیش. وزن شماره هشت: ۱۶.۵۸ گرم؛ وزن شماره نه: ۱۲.۹۰ گرم؛ وزن شماره ده: ۴۲.۴۴ گرم.
عکس از موزه حمزه تبریزی؛ موزه ایران باستان.



بر روی سنگ وزنه‌های بالا الگوهای هنرمندانه‌ای حکاکی شده است. این حجم از ظرافت در ساخت سنگ وزنه به معنای آن است که ترازو مدت‌ها پیشتر اختراع شده بوده است.

• تصویر ۱، تصویر یک سنگ وزنه یافت‌شده در جیرفت، مربوط به ۵ هزار سال پیش است، که بر روی آن الگوهای شبیه به الگوی معماری ساختمان‌ها به شکل متقارن حک شده است (مکان نمایش این سنگ وزنه: موزه ایران باستان).

• تصویر ۲، تصویر یک سنگ وزنه از جنس کلریت یافت‌شده در جیرفت، مربوط به پنج هزار سال پیش است، که طرحی دو ردیفه از درختان نخل بر روی آن دیده می‌شود (مکان نمایش این سنگ وزنه: موزه رضا عباسی).

عکس‌ها از موزه حمزه تبریزی؛ موزه ایران باستان و موزه رضا عباسی.

در دوران آبرفراوانی هر کس به اندازه نیاز خود مصرف می‌کند، نه به اندازه‌ای برابر با دیگران به منظور رعایت عدالت. به عنوان مثال، امروزه از لحاظ محتوای اینترنت رایگان به وضعیت آبرفراوانی رسیده‌ایم، مثلاً با آن که پاره‌ای از مردم روزانه به طور میانگین کمتر از ۱۰۰ مگابایت از محتوای رایگان بهره می‌گیرند، پاره‌ای دیگر از ۱۰ گیگابایت. سیاست سهمیه‌بندی مساوی و عدالت‌گرایانه در استفاده از حجم محتوای رایگان در دوران آبرفراوانی بی‌معنی است.

هدف از عدالت از زمانی که اختراع شد تا امروز محکم‌نگه‌داشتن تاروپود جامعه بوده است. قانون و عدالت نمی‌تواند بر خلاف این هدف باشد. جامعه‌ای که فرو پاشیده باشد و دیگر وجود نداشته باشد قانون یا عدالت برایش سالبه به انتفاء موضوع است. هر نوع قانون یا رویه قانونی به نام خداوند که ضد جامعه باشد نمی‌تواند ربطی به خداوند داشته باشد و صرفاً سوءاستفاده از متن مقدس است.

محکمه‌های ناعادلانه پیامد برپایی نظام ولایت فقیه

تبعیض ضدعدالت و ضد انسجام جامعه است و حکومتی مانند ولایت فقیه که بر بنیاد تبعیض استوار است جامعه را به مرور در معرض فروپاشی قرار خواهد داد. گذشته از آن، برپایی حکومتی که خاستگاه تبعیض باشد نمی‌تواند خواسته خداوندی باشد که صفت عادل دارد.

حکومتی که اجرای شریعت و احکام فقهی را که عموماً بر بنیاد داده‌هایی با کیفیت پایین هستند^{۱۴} و وظیفه خود می‌داند و آن را به عدالت خداوند نسبت می‌دهد درکی از عدالت ندارد که هدفش انسجام تاروپود جامعه است. نتیجه چنین نگرشی تبعیض و ستم سازمان‌یافته و قطبی‌شدن جامعه و ناکارآمدی و در نهایت فروپاشی جامعه است.

گذشته از آنها، در این سرزمین که از کهن‌ترین پایه‌گذاران نهاد قضاوت در جهان بوده است نظام ولایت فقیه به جای آن که از تجربیات علمی و رویه‌های متداول و مدرنِ علم حقوق دوران مدرن و پسامدرن برای برگزاری دادگاه (به معنی عدالت‌خانه) مطابق آیین‌های دادرسی مدرن بهره بگیرد به برگزاری محکمه‌هایی (به معنی مکان صدور حکم) می‌پردازد که به محکمه‌های دوران قرون وسطی و پیشامشروطیت شباهت دارد، که با کمترین داده‌ها و مدارک حکم صادر می‌کردند و برطرف کردن ابهامات در آنها اهمیت چندانی نداشته است. □

تاریخ عدالت در کتاب قرآن

کتاب قرآن کریم ضمن آن که متنی مقدس است با متن آن می‌توان به پاره‌ای از حقایق تاریخی نیز دست یافت. به عنوان مثال، سوره شوری آیه ۱۷ از فرستادن کتاب و ترازو می‌گوید، که به عدالت اشاره دارد:

اللَّهُ الَّذِي أَنْزَلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَالْمِيزَانَ وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ قَرِيبٌ

ترجمه: خدایی که کتاب را به حق و ترازو را فرستاد، و از کجا می‌دانی؟ شاید ساعت رستاخیز بسیار نزدیک باشد. (بسیاری از مفسران منظور از ترازو یا میزان را عدالت ذکر کرده‌اند).

یافته‌های باستان‌شناسان نشان می‌دهد که کتابت یا نوشتار حدود ۵ تا ۶ هزار سال پیش اختراع شده است و ترازو نیز حدود ۷ تا ۶ هزار سال پیش. از این آیه می‌توان این نتیجه‌گیری را کرد که پیش از این تاریخ‌ها که جامعه و شهر تشکیل نشده بوده است نیازی به مفهوم عدالت وجود نداشته است و این مفهوم پس از اختراع ترازو و نوشتار، یعنی حدود ۷ تا ۶ هزار سال پیش پدید آمده است.

به عنوان مثال، زمانی که بخش بزرگی از جامعه خواهان حجاب اختیاری باشد نمی‌توان به نام خداوند قانون حجاب اجباری را وضع کرد که جامعه را دچار افتراق می‌کند.

^{۱۴} برای اطلاعات بیشتر پی‌دی‌اف‌های زیر را بخوانید:

<http://rizpardazandeh.com/articles/riz299/riz299.pdf>
<http://rizpardazandeh.com/articles/riz300/riz300.pdf>
<http://rizpardazandeh.com/articles/riz302/riz302.pdf>



هنگامی که هدف قانون و عدالت احکام فقهی می‌شود و نه انسجام جامعه، قانون به حکم تبدیل می‌شود و مفهوم خود را از دست می‌دهد و حکم‌گرایی متداول می‌شود. در عکس بالا که مربوط به چند سال پیش است حکم‌گرایی آشکار را می‌توان دید. شکست آن که هنوز قانون ممنوعیت استفاده از گیرنده‌های ماهواره لغو نشده است.

قانون حجاب اجباری نیز نمونه‌ای دیگر از احکام جامعه‌ستیز در سرزمینی است که جامعه و عدالت را از حدود ۱۰ هزار سال پیش اختراع کرده است.

محاكمه مقتولان

بابت محكوميت در يك سرقت كه ربط چندانى به مقتولان نداشته است و صرفاً ادعاى آن دو كارگر است براى اين محكمه كفايت مى كرده است و نيازى به بررسى بيشتر انگيزه نبوده است.

بيش از نيم قرن فيلم سازى فعالانه استاد مهرجوى و بيش از دو دهه نويسندگى وحيده محمدى فر بارها و بارها شهادت مى دهند كه آنان كسانى نيستند كه حق كارگر را ندهند. مگر ده ها ميليون نفر از مردم ايران و جهان شاهدان اين فيلم ها نبوده اند؟ از فيلم گاو و دايره مينا گرفته تا اجاره نشين ها، از نارنجى پوش گرفته تا ستورى و مهمان مامان همگى به مردم دوستى شگفت انگيز و عدالت خواهى مستمر اين دو هنرمند شهادت مى دهند. مگر نعره هاى مش حسن در فيلم گاو فريادهاى عدالت خواهانه استاد نبود؟ آيا ممكن است چنين روح لطيفى دستمزد كارگر را ندهد؟ مگر مى شود زوجى هميشه نيكو كار كه براى ازدواج همين كارگران تلاش مى كنند جهيزيه جمع كنند دستمزد كارگر را ندهند؟ آنان كه با افتخار لباس رفت گران را به تن مى كنند مگر ممكن است دستمزد كارگر را ندهند؟

آنچه رخ داد يك نمونه تاريخى از محكمه هاى قرون وسطاى بود كه در دوران پسامدرن اتفاق افتاد: در ۱۱ ساعت در دو روز پشت سرهم براى عمليات تهديد و ارعاب ۲ مقتول در روز ۱۶ مهر و قتل رعب آور زنده يادان در روز ۲۲ مهر كه مطابق كيفرخواست توسط ۴ متهم انجام شده است، و ختم محكمه، بى آن كه اطلاعات چندانى از يك هفته وحشتناك زنده يادان پس از تهديد روز ۱۶ مهر و اقداماتى ارائه شود كه از طريق پيگيرى هاى تلفنى و اينترنتى و جلسات حضورى براى رفع تهديد انجام شده بوده است، كه مى توانست ابهامات پيرامون علت پاك كردن اپليكيشن هاى داخل گوشى زنده ياد وحيده محمدى فر و پوشيدن لباس رسمى استاد را روشن كند.

زوج هنرى مشهور کشورمان، زنده يادان استاد داريوش مهرجوى و وحيده محمدى فر شخصيت هاى ملي-تاريخى و نام هاى ماندگار هستند و بى گمان آثار هنرى گوناگونى در ده ها و سده هاى آينده درباره زندگى و مرگ دلخراش آنها ساخته خواهد شد. از همين روى،



عكس ها شهادت مى دهند، آنان با افتخار نارنجى پوش شدند، براى مش حسن ها اشك ريختند، دغدغه آبروى مامان در برابر مهمانش را داشتند... مگر ممكن است دستمزد كارگر را ندهند؟

محكمه اى كه تحت عنوان «دادگاه پرونده قتل زنده يادان داريوش مهرجوى و وحيده محمدى فر» برگزار شد به مكاني براى محاكمه مقتولان مى مانست تا محاكمه قاتلان. مطابق متن «قرار نهاى دادسرا» مقتولان دستمزد دو كارگر را نداده بودند و مهم ترين انگيزه اى مى شود كه اين دو كارگر تصميم بگيرند به شيوه اى رعب آور آنان را با همكارى دو كارگر ديگر به قتل برسانند. چنين انگيزه اى يا انگيزه انتقام

هدف

پاره‌ای از قرائن نشان می‌دهند که هدف نمی‌تواند سرقت بوده باشد، بلکه بیشتر نشان‌گر هدف قتل برای ارباب بوده است. خانه مقتولان خانه‌ای قدیمی و معمولی بوده است، در حالی که در محمدشهر و حتی در خود شهرک زیبادشت خانه‌های مجلل و لاکچری زیادی وجود دارد که سارقان را بیشتر به سمت خودشان جلب می‌کنند. لوازم خانه نیز در مجموع لوازمی قدیمی و کم‌ارزش بوده است و نمی‌توانسته است مورد توجه سارقان قرار بگیرد. جوایز یا تابلوهای ارزشمند زنده‌یاداستاد مهرجویی اساساً فایده‌ای برای سارقان ندارد. با این حال، اگر هدف متهمان سرقت بوده باشد، دست کم سه لپ‌تاپ، سه تبلت، ریسور ماهواره، یا مودم اینترنت، و اشیاء قیمتی دیگر نیز می‌توانست مورد سرقت قرار بگیرد، که از چاقویی که متهمان پنهان کرده بودند بسیار ارزشمندتر بوده‌اند (در محکمه گفته شد که چون متهمان بی‌بضاعت بوده‌اند چاقویی را که آلت جرم بوده است نشسته در دل خاک پنهان کرده‌اند).

دو نفر از متهمان ادعا کرده‌اند که نیت‌شان صرفاً سرقت بوده است؛ اما این دو نفر نیک می‌دانسته‌اند که سه‌نفر از چهار متهم کارگر شهرک بوده‌اند یا هستند و بعد از سرقت از سوی ساکنان به راحتی شناسایی خواهند شد، اگر هدف‌شان سرقت بوده است چرا در زمان حضور ساکنان خانه بدون ماسک دست به این کار زده‌اند و چرا هم‌دستی با دو متهم دیگر را برای یک سرقت نامعقول و قابل شناسایی پذیرفته‌اند؟

انگیزه

زنده‌یادان نه‌تنها در پرداخت حقوق کارگران کوتاهی نمی‌کردند بلکه برای فرزندان کارگران بی‌بضاعت کمک می‌کردند یا برای ازدواج همین کارگران جهیزیه تهیه می‌کردند. کارگری که دوسال پیش پاره‌وقت کار می‌کرده است دست کم دوسال نباید دستمزد می‌گرفته است تا به مبلغ ۳۰ میلیون تومان برسد، کدام کارگری حاضر است بیش از دوسال بدون دستمزد کار کند؟ مگر می‌شود زنده‌یادان بیش از دوسال از یک کارگر بدون دستمزد کار بخواهند؟

ارتباط مبلغ ۳۰ میلیون تومان یا سرقت لپ‌تاپ – که مربوط به یکی از همسایگان بوده است – با زنده‌یادان در پرونده رد شده بوده است،

متن این کیفرخواست که پاسخ بسیاری از پرسش‌ها را نمی‌دهد یکی از اسنادی خواهد بود که پژوهش‌گران، نویسندگان، و هنرمندان فراوانی در آثار خود ناامیدانه به آن ارجاع خواهند کرد.

گذشته از آن، نظر به این که مقتولان از شخصیت‌های برجسته تاریخ هنری کشور بوده‌اند، حضور خبرنگاران برای ثبت رویدادهای این محکمه تاریخی ضروری بوده است، که به‌گونه‌ای پرسش‌برانگیز چنین مجوزی صادر نشد.

این در حالی است که این واقعه هولناک به جز برای خانواده زنده‌یادان، برای بسیاری از مردم ایران و جهان پرسش‌های فراوانی مطرح کرده است. به عنوان مثال، در شبکه‌های اجتماعی با جملاتی مانند «از داریوش فروهر تا داریوش مهرجویی یا از پروانه فروهر تا وحیده محمدی‌فر» برخورد می‌کنیم که حکایت از عدم اعتماد بخش بزرگی از مردم به گزارش‌ها و رویه‌های رسمی دارد.

یک کیفرخواست صادر می‌شود و آشکارا در محکمه گفته می‌شود که ما کاری با انگیزه یا با کت‌وشلوارپوشیدن یا لباس راحتی پوشیدن مقتول نداریم؛ انگیزه – که از نظر محکمه اهمیت چندانی ندارد – مطابق کیفرخواست سرقت (چندگرم) طلا بوده است. کیفرخواست نه‌تنها به گراماژ طلای کشف‌شده – که در مجموع وزن ناچیزی داشته است – اشاره نمی‌کند، بلکه از مبلغ ۳۰ میلیون تومانی سخن به میان می‌آورد که ربطی به مقتولان نداشته است.

بی‌گمان، این قتل نه‌تنها از نظر مردم امروز کشورمان بلکه از نظر مردم آینده کشورمان و حتی حقوق‌دان‌های امروز و آینده یک قتل معمولی به شمار نخواهد آمد و اتفاقاً درباره انگیزه، یا درباره لباسی که استاد پوشیده بوده است، یا درباره چاقوی نشسته‌ای که پنهان شده بوده است پرسش‌های فراوانی مطرح خواهند کرد.

تنها دلیل علمی در محل جنایت

اقرار متهمان، پیداشدن لکه خونی در محل جنایت (تنها دلیل علمی در محل جنایت)، و پیداشدن آلت قتاله در مکانی دیگر از نظر این محکمه جای هیچ ابهامی را باقی نگذاشته است، و نیاز به جلسات بیشتر و بررسی‌های بیشتر را منتفی دانسته است.

این که زنده یاد استاد مهرجویی در آن زمان لباس رسمی پوشیده است در پیام‌های پاک‌شده وجود نداشته است؟

گانگسترهای حرفه‌ای یا آماتور؟

با آن که ظاهر متن کیفرخواست متهمان را مجرمینی آماتور نشان می‌دهد دقت در روش‌های به‌کارگرفته‌شده آنان حاکی از آن است که متهمان با برنامه‌ریزی دقیق همچون گانگسترهای حرفه‌ای به‌گونه‌ای عمل کرده‌اند که هیچ اثری که به شناسایی آنها بینجامد از خودشان به جای نگذارند، به جز لکه‌ای خون از یکی از آنان هیچ اثر انگشتی (حتی دستکش‌های مورد استفاده متهمان کشف نشده است) یا هیچ ردپای دیجیتالی کشف نشده است. این سطح از حرفه‌ای‌گری از سوی چند کارگر بی‌سواد یا کم‌سواد فرضیه‌های دیگری را نیز می‌تواند مطرح کند، مانند این فرضیه که آموزش دیده بوده‌اند؛ یا همکاری حرفه‌ای به همراه خود داشته‌اند؛ و یا بخشی از آنها مشارکت نداشته‌اند.

روز ۱۶ مهر نیز که متهمان اقرار کرده‌اند که وارد خانه شده‌اند و قرار بوده است در همان روز برای سرقت یا قتل اقدام کنند سروصدای سگ خانه سبب می‌شود که متهمان پس از تهدیدی که می‌کنند فرار کنند؛ به بیان دیگر، در این روز موانع پیش روی اهداف خود را شناسایی کرده‌اند تا برای اقدام نهایی تمهیداتی را که برای برطرف کردن آن موانع لازم است بیندیشند. برای سروصدای سگ چه فکری کردند؟

رد پای دیجیتال (Digital footprint)

در دوران پست‌مدرن آنچه به اینترنت چیزها^۱ شهرت یافته است، به ویژه یک زیرمجموعه آنها، مانند گوشی‌های هوشمند که ما از آنها به عنوان اینترنت آدم‌ها^۲ یاد کرده‌ایم همچون اثر انگشت بیولوژیک، ردپاهایی منحصربه‌فرد به جای می‌گذارند که به رد پای دیجیتال^۳ شهرت یافته‌اند. امروزه شناسایی تقریباً سریع بسیاری از گانگسترها با چنین ردپاهایی میسر شده است، و گریز از آنها بسیار دشوار است، مگر آن که گانگسترهایی فوق‌العاده حرفه‌ای باشند.

حال چگونه است که این موارد در کیفرخواست به عنوان انگیزه انتقام مطرح شده‌اند؟



هدف‌مند بودن سرقت گوشی‌ها؟

پس از تهدید، زنده‌یادان اقداماتی را آغاز می‌کنند و وحیده محمدی فر پیگیرانه آنها را دنبال می‌کند، از جمله ارسال یک پیام در اینستاگرام و شرح واقعه، شناسایی مظنون تهدیدکننده که موی بلندی داشته است، اطلاع‌دادن موضوع تهدید به مدیریت شهرک، و یا گفت‌وگو با یکی از رسانه‌ها درباره این تهدید. بی‌گمان، اقدامات دیگری نیز انجام داده‌اند که رد پای دیجیتال آنها را می‌شد از طریق پیام‌رسان‌هایی مانند واتس‌آپ یا تلگرام یا از طریق تصاویر دوربین‌های مختلف شهرک و یا حتی بیرون از شهرک پیدا کرد. فقط دو گوشی زنده‌یاد وحیده محمدی فر که معمولاً پیگیر چنین کارهایی بوده است و حاوی چنین اطلاعاتی بوده است به سرقت می‌رود. آن‌گونه که در متن کیفرخواست آمده است پیام‌های اینستاگرام وی به گونه‌ای پاک شده است که امکان بازگرداندن آن وجود ندارد. خانم وکیل مانوش منوچهری نیز در گفت‌وگوی روز ۵ بهمن خود با روزنامه اعتماد گفته است که بنابر محتویات پرونده، اپلیکیشن‌های تلگرام، واتس‌آپ، و اینستاگرام زنده‌یاد وحیده محمدی فر به رغم استفاده از آن تا ساعات پایانی زندگی‌اش، و ارسال پیام به مونا و دوستان دیگرش، بلافاصله پس از وقوع جنایت پاک شده است. پاک‌شدن این اپلیکیشن‌ها می‌تواند نشانه هدف‌مند بودن سرقت گوشی‌ها و نمایشی‌بودن سرقت چند دستبند سبک‌وزن طلا باشد (سه لپ‌تاپ، سه تبلت، و گوشی استاد، یا ریسپور ماهواره یا مودم اینترنت یا اشیاء و لوازم گران‌قیمت‌تر از چاقوی آشپزخانه چرا به سرقت نرفته‌اند؟)

از سوی دیگر، امروزه کمتر کسی بدون گذرواژه از گوشی استفاده می‌کند، گذرواژه گوشی چگونه کشف شده است؟ آیا علت

¹ Internet of Things

² Internet of Humans

³ Digital footprint

(اگر از ابتدا به عنوان همدست بازداشت شده بودند، آنها را به گونه‌ای در کنار هم قرار نمی‌دادند تا مظنون اصلی بتواند به دیگران پیام سکوت یا توصیه به معرفی نکردن متهم بازداشت‌نشده را بدهد و پلیس هم متوجه این موضوع نشود. مطابق بازی «دوراهی زندانی»^۴ در نظریه بازی^۵ که بی‌گمان پلیس‌های آگاهی در دانشگاه پلیس آن را می‌آموزند، این جدانگه‌داشتن همدستان است که احتمال خیانت را بالا می‌برد^۶).

پرسش‌هایی دیگر

● مطابق سناریوی کیفرخواست هیچ فرصتی برای زنده‌یاد وحیده برای نوشتن پیامک به دخترش **مونا** که ارسال نشد وجود نداشته است. در چه زمانی این پیامک نوشته شده است و چرا متهمان آن را پاک نکردند؟

● یکی از سکانس‌های مشهور بسیاری از فیلم‌های جنایی انداختن آلت ارتکاب جرم در رودخانه یا جایی که دیگر دسترسی به آن میسر نباشد است؛ متهمان با وجود اقدامات حرفه‌ای خود چرا آلت قتاله را بی‌آن‌که شسته باشند در دل خاک **بایگانی** کرده‌اند؟

● با آن‌که بارها درخواست کردیم جسد‌ها را در پزشکی قانونی بینیم اجازه این کار به ویژه به برادر که پزشک است داده نشد؟

● اقدامات زنده‌یادان در یک هفته پیش از قتل، به ویژه روز قبل و روز قتل چه بوده است و قرار ملاقات‌های آنها چگونه بوده است (که با بازیابی ردپاهای دیجیتال ممکن است)؟

● یکی از متهمان در اظهارات غیرمقرون به واقع خود به قتل توسط خود و سه متهم دیگر اقرار کرده است، اما مرتکبان قتل اول و دوم را متفاوت با اقرار مقرون به واقع خود ذکر کرده است. وقتی به قتل اقرار کرده است، مگر بالاتر از سیاهی رنگی هست، چرا در آن مرحله دروغ گفته است؟ و □

در کیفرخواست از **ردپاهای دیجیتال** تقریباً هیچ خبری نیست. به جز تصویر یک دوربین که به چند ساعت پیش از واقعه مربوط است که یک صحنه عادی از یکی از متهمین دارد، تصویر هیچ دوربین دیگری که آنها را شناسایی کند وجود نداشته است، نه برای روز ۱۶ مهر و نه برای روز ۲۲ مهر (مطابق کیفرخواست حتی دوربین‌های ساختمانی که یکی از متهمان سرایدار آن ساختمان بوده است از روز قبل تا روز بعد از جنایت هولناک خاموش بوده است، و خط تلفن این متهم نیز در زمان وقوع جنایت چهار ساعت بدون رکورد بوده است)؛ از آنها شگفت‌انگیزتر، فقدان ردپاهای ارتباطاتی متهمان، چه در ورود رعب‌آور نخست خود در روز ۱۶ مهر و چه در روز ارتکاب جنایت رعب‌انگیز در ۲۲ مهر و تا زمان بازداشت نفر چهارم (۲۷ مهر) است. کیفرخواست از نحوه ارتباطات تلفنی و اینترنتی متهمان به عنوان یک عامل شناسایی آنان نام نبرده است. به عنوان مثال، تنها موردی از ردگیری تلفن همراه که در متن «**قرار نهایی دادر**» آمده است مربوط به اظهارات یکی از متهمان است که در تحقیقات مرجع انتظامی بیان داشته است که آخرین بار شش ماه پیش به شهرک آمده است، اما در بررسی خط تلفن همراه او مشخص شده است که در **شهریورماه** سال جاری (که ۱۶ روز بعد از شهریورماه، تهدید انجام می‌گیرد) تردد‌های زیادی به شهرک داشته است. (کیفرخواست درباره علت این حضور چیزی نمی‌گوید، آیا این حضور برای آموزش یا برنامه‌ریزی نبوده است؟)

این در حالی است که در کیفرخواست به هیچ مدرکی از ردگیری تلفنی دو متهمی که در شهرک کار نمی‌کرده‌اند به داخل شهرک در روزی که تهدید کرده‌اند و یا در روزی که مرتکب جنایت شده‌اند وجود ندارد.

گذشته از آن، بررسی ارتباطات تلفنی، پیامکی، یا اینترنتی متهمان در روزهای پیش از زمانی که در ۱۶ مهر تهدید می‌کنند و روزهای پیش از زمان وقوع قتل در ۲۲ مهرماه سبب پیداشدن همدستان مظنون اصلی که پیشتر زنده‌یاد **وحیده محمدی‌فر** او را از موهای بلندش شناسایی کرده بوده است و اول از همه دستگیر شده است نشده است (اولین اظهارات این متهم در روز ۲۴ مهر بوده است، نتیجتاً بازداشت او بیش از ۲۴ ساعت بعد از قتل انجام گرفته است). مطابق کیفرخواست بازداشت دو متهم بعدی به دلیل سابقه سرقت یکی از آنها در شهرک و رابطه خویشاوندی دیگری با این متهم، و بازداشت نفر چهارم نیز به دلیل اقرارهای یکی از این دو متهم اخیر انجام شده است

^۴ Prisoner's Dilemma

^۵ game theory

^۶ برای اطلاعات بیشتر مقاله «بازی دوراهی زندانی» در صفحه ۱۵ را بخوانید.

مقایسه نقش رسانه و مدت محاکمه در

محکمه زنده‌یادان

استاد داریوش مهرجویی و وحیده محمدی‌فر

و دادگاه آدولف آیشمن

کسانی که اجاره‌نشین‌های حکومت در ایران زمین هستند و نگاه آنها به رواداری (یا به عدالت در جامعه متکثر) را در یک شاهکار سینمای ایران، فیلم **لامینور**، آخرین ساخته زنده‌یاد **استاد داریوش مهرجویی** که نویسندگان آن زنده‌یادان **استاد مهرجویی** و **وحیده محمدی‌فر** هستند می‌توانیم ببینیم - که جامعه ایران را دوقطبی کرده‌اند و تمدن ۱۰ هزارساله در این سرزمین را به سوی فروپاشی می‌برند - محکمه‌ای برگزار می‌کنند که به جای داوری و اجرای عدالت، با **تحقیر داده‌ها** موضوع این قتل دلخراش را که در میان ایرانیان بحث‌های زیادی را برانگیخته است و ناامیدی از اجرای عدالت در آنها موج می‌زند شتاب‌زده با دو جلسه در **۱۱ ساعت** برای تهدید رعب‌آور در روز ۱۶ مهر و دو قتل اربعایی یک فیلسوف-سینماگر و یک نویسنده برجسته در روز ۲۲ مهر و اقداماتی که زنده‌یادان پس از تهدید انجام داده‌اند و **چهار متهم بدون حضور خبرنگاران در عصر پسامدرن «جمع کنند»**، در عمل، چنین محکمه‌ای به معنی داوری بر اساس کیفرخواست تهیه‌شده - روشی شبیه به روش‌های پیش از انقلاب مشروطیت و پیش از دوران مدرن - است، آن هم در جامعه پسامدرن امروزی که تقریباً همه مردم ایران از این فاجعه مطلع شده بوده‌اند و بخش بسیار بزرگی از آنان خود را به حق صاحب این سوگواری می‌دانسته‌اند و پرسش‌های فراوانی درباره آن داشته‌اند.

آیشمن در اورشلیم

آدولف آیشمن^۱ از افسران ارتش نازی آلمان و رئیس اداره امور یهودیان و مسئول مرگ تعداد بسیار زیادی از یهودیان در اتاق‌های گاز و سوزاندن اجساد آنها در کوره‌های آدم‌سوزی در دوران جنگ جهانی

دوم بوده است (هولوکاست). افسران اطلاعاتی اسرائیل او را در سال ۱۹۶۰ در کشور آرژانتین شناسایی و بازداشت می‌کنند و مخفیانه به اسرائیل انتقال می‌دهند. او در دادگاه اورشلیم به جرم جنایت علیه یهودیان و جرائم دیگر محاکمه و در سال ۱۹۶۲ میلادی اعدام می‌شود. محاکمه او در ۱۱ آوریل سال ۱۹۶۱ آغاز شد و حدود ۷ ماه طول کشید و بیش از ۲۰۰ جلسه برای آن برگزار گردید.

این دادگاه برای آن که مردم جهان را علیه یهودی‌ستیزی آموزش بدهد و **علم حقوق** را در زمینه نسل‌کشی غنی کند تلاش کرد از **رسانه‌ها**، به ویژه **رسانه‌های چاپی** سود بگیرد و در عمل توانست بر حوزه‌های مختلف علمی و فلسفی مانند فلسفه اخلاق، فلسفه سیاسی، علم حقوق، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، قوانین بین‌المللی، بوروکراسی، و مانند آن تأثیرات فوق‌العاده زیادی بگذارد. ویدئو و صدای جلسات مختلف ضبط شده است و استفاده از آنها برای پژوهشگران و علاقه‌مندان آزاد است. به عنوان مثال، بیش از ۲۰۰ ساعت از ویدئوی جلسات مختلف دادگاه آیشمن را می‌توانید در کانال **EichmannTrialEN@** در یوتیوب تماشا کنید. به ویژه، پژوهش‌های یک تحلیل‌گر برجسته نشریه **نیویورکر**، دکتر **هانا آرنت**، که کتاب «**آیشمن در اورشلیم: گزارشی از ابتدال شر**»^۲ او به اکثر زبان‌های زنده دنیا بارها به چاپ رسیده است تحول بزرگی در علوم انسانی بر جای گذاشته است و همین امروز خوانندگان فراوانی در سراسر جهان دارد. انگیزه آیشمن مهم‌ترین مسئله برای آرنت در این محاکمه بوده است. انگیزه آیشمن تا همین امروز مورد بحث پژوهش‌گران در دانشگاه‌های مختلف دنیاست. آرنت با شرکت در جلسات مختلف دادگاه بود که به **بی‌انگیزگی‌های آیشمن** پی برد و از **ابتدال شر** یا **پیش‌پافتادگی شر**^۳ در او یاد کرد. با آن که آرنت دادگاه را نمایشی و در جهت نشان دادن مصائب هولوکاست می‌داند و نه جرائمی که آیشمن انجام داده است، کتاب «**آیشمن در اورشلیم**» او یکی از تأثیرگذارترین کتاب‌های سده بیستم میلادی و یکی از پرخواننده‌ترین کتاب‌ها تا امروز بوده است که مهم‌ترین داده‌های آن مربوط به دادگاه آیشمن در اورشلیم است.

^۲ Arendt, Hannah. *Eichmann In Jerusalem: A report on the Banality of Evil*. The New Yorker 1963.

^۳ Banality of Evil

^۱ Adolf Otto Eichmann

از سقراط تا استاد مهرجویی و وحیده محمدی‌فر

«حدود ۲۴۰۰ سال پیش سقراط به دلیل پرسیدن‌های بسیار زیاد به مرگ محکوم شد. سقراط را می‌توان نخستین شهید فلسفه نامید. سقراط کاریزمای زیادی داشت و ذهنی پرسش‌گر. پرسش‌های او پرسش‌هایی به‌ظاهر ساده بودند. اما هنگامی که مباحثه در می‌گرفت مخاطبان در می‌یافتند که چیز زیادی درباره موضوع نمی‌دانند و این برای سقراط یک موفقیت بود. فیلسوفان امروزی نیز همچون سقراط عمل می‌کنند و ابتدا پرسش‌هایی دشوار مطرح می‌کنند و سپس به استدلال‌ها و مدارک نگاه می‌کنند و تلاش می‌کنند به مهم‌ترین پرسش‌هایی فکر کنیم که می‌توانیم از خودمان پرسیم که می‌توانند درباره ماهیت واقعیت و چگونه‌زیستن پاسخ بدهند. سقراط معتقد بود زندگی زمانی ارزش دارد که درباره آنچه انجام می‌دهید بیندیشید. زندگی بی‌پرسش برای حیوان خوب است، نه برای انسان.

در ۳۹۹ سال پیش از میلاد که سقراط ۷۰ ساله بود یکی از اهالی آتن به نام ملتوس^۴ او را به دادگاه برد. ملتوس سقراط را متهم کرد که علیه خدایان آتن صحبت کرده است و خدایانی جدید معرفی کرده است. او همچنین سقراط را به تبلیغ علیه نظام حاکم در میان جوانان متهم کرد. دادگاه او را به مرگ با نوشیدن جام زهر شوکران محکوم کرد. سقراط اگر می‌پذیرفت که ساکت شود و دیگر پرسش‌های دشوار نپرسد می‌توانست از مجازات مرگ رهایی پیدا کند، اما چنین نکرد. او جام زهر را نوشید و خیلی زود مرد. انتخاب مرگ، به جای نپرسیدن، الهام‌بخش فیلسوفان بعدی جهان تا امروز شده است.

مرگ سقراط، شاگرد برجسته او، افلاطون را به فکر فرو برد و درباره محاکمه و مرگ او سخت اندیشید و نوشت. امروزه ما با نوشته‌های افلاطون است که به اندیشه‌های سقراط پی برده‌ایم. ارسطو یکی از بزرگ‌ترین فیلسوفان تاریخ شاگرد افلاطون بوده است. محاکمه سقراط را می‌توان آغازگر فلسفه در جهان دانست.^۵

سقراط نمی‌نوشت و معتقد بود پرسیدن شفاهی بسیار بهتر است. از افلاطون شاگرد سقراط تا بسیاری از فیلسوفان امروزی نوشتن را ترجیح داده‌اند. سینما دروازه‌های جدیدی را برای پرسش‌های فلسفی و روان‌شناسی پس از روش‌های سقراط و افلاطون باز کرد و سینماگر-فیلسوف برجسته استاد مهرجویی و سینماگر-روان‌شناس برجسته وحیده محمدی‌فر، سقراط‌های سینمای ایران و جهان، پرسش‌های به‌ظاهر ساده را استادانه از گاو تا اجاره‌نشین‌ها و از نارنجی‌پوش تا لامینور در قالب سینما مطرح کردند.

محاکمه سقراط اگرچه به محکومیت ستم‌گرانه او به مرگ انجامید اما داده‌های دقیق این محاکمه به تولد و شکوفایی فلسفه انجامید و حدود ۲۴۰۰ سال برای جهان نعمت‌آفرینی کرد. شگفت آن که پس از ۲۴۰۰ سال محکمه‌ای برپا می‌شود که آنچه در آن غایب است پرسش‌گری است. هدف برگزارکنندگان بررسی شر برای کاستن از شر در جهان نیست، «جمع کردن پرسش» است. با همه اینها، با وجود موانعی که بر سر ثبت داده‌های این شر بزرگ وجود دارد بی‌گمان پژوهش‌گران فراوانی در آینده مسئولانه در پی پاسخ‌ها بر خواهند آمد. □

مگر پرسش‌گری حق مردم نیست؟

حدود ۲۴۰۰ سال از مرگ سقراط، که پرسش را اساس رفع ابهامات می‌دانست گذشته است.

«مگر میدان آتن برای گفت‌و شنود ساخته نشده است؟ این سخن از سقراط حکیم است. عادت حکیم این بود که سحرخیز باشد و روزها در شهر پرسه بزند. در اینجا و آنجا بایستد و مباحثه‌گران را به بحث درباره یک موضوع برانگیزد. مباحثات او معمولاً در بازار انجام می‌گرفت. در ایوان‌های سرپوشیده بازار به دنبال فروشنده‌ای حراف می‌گشت و یا بازرگانی را می‌یافت که دوست داشتند روزی را با بحث و مناظره سپری کنند. از آن ایوان‌ها خارج می‌شد و به میدان عمومی شهر مشهور به آگورا (Agora) می‌رفت. در یک طرف میدان‌های یونان باستان دیواری طویل و در طرف دیگر میدان ایوان‌های بازار قرار داشت، و فضای وسیع بین دیوار و ایوان‌ها مکان خوبی را برای بحث و مناظره به وجود می‌آورد. در همین محیط بود که مباحثه و گفت‌و شنود رشد و نمو یافت، و از همین جا، یعنی میداین و رواق‌های آتن قرن چهارم پیش از میلاد بود که مفهوم دانشگاه امروزی متولد شد.

روش سقراط ساده بود. در طول هر مباحثه کلمه‌ای بحث‌انگیز مانند عشق، نفرت، ترس، عدالت، یا بی‌عدالتی به میان می‌آمد و یا ممکن بود پرسشی مطرح شود و این پرسش خود پرسش‌های دیگری را پدید می‌آورد. در این مورد، سقراط پیش‌قدم می‌شد؛ پرسش پشت پرسش، توضیح پس از توضیح، هر کدام به دقت بررسی می‌شد.^۱

محاکمه قتل زنده‌یادان استاد مهرجویی و وحیده محمدی‌فر بدون پرسیدن‌های رفع ابهام‌کننده و برای «جمع کردن پرسش» برگزار گردید. □

⁴ Meletus

⁵ Warburton, Nigel. *A Little History of Philosophy*. 2011, Yale University Press.

سپس اولی، در پی آن چهارمی، و در نهایت دومی. برای هم‌دست‌تان دومی بهترین گزینه، و در پی آن، اولی، چهارمی، و سومی است.

چه می‌شود، اگر به عنوان یک فرد منطقی رفتار کنید و خودخواهانه در پی شماره سه باشید؟ استدلال شما شبیه به استدلال زیر خواهد بود. هم‌دست شما یا خیانت خواهد کرد یا همکاری (سکوت). اگر خیانت کند، شما نیز باید خیانت کنید، تا بدترین نتیجه برای‌تان رقم نخورد. اگر او همکاری (سکوت) کند، شما باید خیانت کنید، زیرا کمترین مجازات ممکن را به دست خواهید آورد، که نتیجه ترجیحی شماست. در نتیجه، هر کاری که هم‌دست شما انجام بدهد، بهترین راه برای شما خیانت است.

ماتریس هزینه-فایده			
		حریف	
		همکاری [سکوت]	خیانت
بازیگر	همکاری [سکوت]	۲- و ۲-	۱- و ۴-
	خیانت	۴- و ۱-	۳- و ۳-

خیانت یک راهبرد غالب در بازی‌هایی با چنین ماتریس‌های بازدهی است. با این همه، منظور نظریه‌پردازان آن است که این راهبرد، فارغ از این که راهبرد انتخابی بازیگر دوم چه خواهد بود، همواره بهترین راهبردی است که می‌توان انتخاب کرد. علت: اگر هر دو همکاری کنید، هر کدام به دو سال زندان محکوم می‌شوید، اما اگر فقط شما خیانت کنید به یک سال زندان محکوم می‌شوید. اگر حریف شما خیانت کند و شما دهان‌تان را ببندید، چهار سال به زندان خواهید افتاد، اما اگر هر دو خیانت کنید سه سال زندان در انتظارتان خواهد بود. پس هر کاری که حریف‌تان انجام بدهد، بهتر است شما خیانت کنید.

اما این زنجیره استدلال یک مسئله دارد. هم‌دست شما دیوانه نیست و معما را دقیقاً به روش شما تجزیه و تحلیل می‌کند، و دقیقاً به همان نتیجه‌ای می‌رسد که شما رسیده‌اید. در نتیجه، هر دو خیانت خواهید کرد، که به این معنی است که سه سال را باید در زندان سر کنید. معماست چون اگر هر دو به دنبال بهترین نتیجه باشید، منطقی‌ترین راهبرد غالب نتیجه‌ای را به دست می‌دهد که بدتر از نتیجه‌ای است که سکوت هر دو به دست می‌دهد! شما با سومین نتیجه برتر راضی می‌شوید، در حالی که اگر هر دو همکاری می‌کردید لذت دومین نتیجه برتر عایدتان می‌شد.

این خلاصه معمای دردناک زندانی است. فقط اگر به هم اعتماد می‌کردید، با همکاری، به نتیجه‌ای بهتر از زمانی دست می‌یافتید که خودخواهانه عمل کرده‌اید. به کمک این معما، حالا به وضوح می‌توانیم بازدهی همکاری را بفهمیم: یک فرد هزینه‌ای می‌دهد تا فردی دیگر فایده‌ای ببرد. در این حالت، اگر هر دو همکاری (سکوت) کنند، بهترین نتیجه - مجازات یک‌سال زندان - را از دست می‌دهند و هر دو به بهترین نتیجه دوم، یعنی ۲ سال زندان می‌رسند. این نتیجه بازهم از نتیجه سوم که هر دو خیانت کنند بهتر است. □

بازی «دوراهی زندانی» (Prisoner's Dilemma)^۱

بازی «دوراهی زندانی» یکی از نخستین بازی‌هایی است که در درس «نظریه بازی» (game theory) به دانشجویان آموخته می‌شود. نام معما به این دلیل دوراهی زندانی شده است که در شکل کلاسیک خود، سناریوی زیر را در بر دارد. تصور کنید که شما و هم‌دست‌تان توسط پلیس دستگیر و به زندان افتاده‌اید، و به ارتکاب جرمی سنگین متهم شده‌اید. بازپرس به طور جداگانه از هر دوی شما بازپرسی می‌کند، و برای هر یک از شما امکان یک معامله را فراهم می‌کند. مطابق این معامله دروغ در قلب این معما جای می‌گیرد و به قرار زیر است: اگر یکی از دو نفر خیانت کند، و دیگری را متهم کند، در حالی که هم‌دست او ساکت باشد، خائن به مجازات کمتری محکوم می‌شود. خائن به دلیل دادن اطلاعات کافی برای زندانی کردن هم‌دست خود فقط به یک سال زندان محکوم می‌شود. ضمناً، هم‌دست ساکت او به مجازات سنگین‌تر چهار سال زندان محکوم می‌شود.

حال اگر هر دو ساکت بمانید، و به بیان دیگر، با هم همکاری کنید، مدرک کافی برای مجازات هر دو به اتهام جرم سنگین‌تر در دست نخواهد بود، و هر کدام از شما به دو سال زندان، به دلیل یک جرم خفیف‌تر محکوم می‌شوید. از سوی دیگر، اگر هر دو خیانت کنید و یکدیگر را متهم کنید، هر دو به جرمی سنگین‌تر مجازات می‌شوید، اما به دلیل اعتراف داوطلبانه، هر کدام از شما یک سال تخفیف می‌گیرید و به سه سال زندان محکوم می‌شوید.

با این سبک از داستان، گونه‌های پی‌شماری از این معما را در شرایط مختلف دیگر، مجازات‌ها و تخفیف‌های دیگر، و مانند آن می‌توانیم تصور کنیم. فرمول‌بندی به هر شکلی که باشد، یک نظر ساده مرکزی وجود دارد که آن را می‌توان در یک جدول که به ماتریس بازده^۲ یا ماتریس سبک‌سنگینی مشهور است، نمایش داد. این جدول می‌تواند هر چهار نتیجه بازی را خلاصه کند، که دو ردیف و دو ستون دارد. این جدول می‌تواند تنش‌های ذهنی زندگی روزمره را نیز نمایش بدهد.

با سطر بالای ماتریس آغاز می‌کنیم: هر دو همکاری - یعنی سکوت - می‌کنید (که بدین معنی است که هر کدام به دو سال زندان محکوم می‌شوید، و من آن را ۲- [منفی ۲] می‌نویسم تا به سال‌هایی از زندگی اشاره کنم که از دست خواهید داد). شما همکاری (سکوت) می‌کنید و هم‌دست‌تان خیانت (۴- سال برای شما و ۱- سال برای او). در سطر دوم، گزینه‌های دیگر می‌آید: شما خیانت می‌کنید، و هم‌دست‌تان همکاری، یعنی سکوت می‌کند (۱- برای شما و ۴- برای هم‌دست‌تان). هر دو خیانت می‌کنید (۳- سال برای هر کدام). از دیدگاه خودخواهانه، بهترین نتیجه برای شما سومی است،

^۱ Nowak, M. A. (Martin A.) & Highfield, Roger. (2011), *Super-Cooperators: Altruism, Evolution, and Why We need Each Other to Succeed*, New York: Free Press.

^۲ payoff table



خواهرم، وحیده عزیز دو روپوش نارنجی را به من و همسرم (مژده حمزه تیریزی)
هدیه داده بود. نارنجی پوش شدیم و عکس ها را برایش فرستادیم. از این که به
نارنجی پوشان پیوسته بودیم وحیده و استاد بسیار شاد شدند.
روانشان شاد، کارگردوستی و مردم دوستی مرامشان بود.